گواهی می دهم که به وسیله ولایت شما اعمال پذیرفته می شود و کردار پاک می گردد و خوبی ها چند برابر گردد و بدی ها از بین می رود، پس هرکه ولایت شما را آورد و به امامت شما اعتراف نمود، اعمالش پذیرفته و گفته هایش مورد تصدیق قرار گیرد و خوبی هایش چند برابر و بدی هایش محو شود و هرکه ازولایت شما منحرف شد و به شناخت شما جهل ورزید و شما را با دیگری عوض کرد خدا او را با صورت به آتش دراندازد و عملی را از او نپذیرد و برای او در قیامت میزان سنجشی برپا نکند.

این بخش درواقع نتایج سرپیچی از دو بخش گذشته را گوشزد می کند که اگر کسی به جای امام، سر به اطاعتِ دیگران بنهد، اهل جهنم خواهد شد.

درادامه زیارت و پس ازاین سه گواهی، زائر، خدای متعال، ملائکه و امام را شاهد می گیرد که آنچه برزبان جاری نموده «عهد ومیثاق» او با حجت خدا است.

أُشْهِدُ اللهَ وَأُشْهِدُ مَلائِكَتَهُ وَأُشْهِدُكَ يَا مَوْلايَ بِهَذَا، ظاهِرُهُ كَباطِنِهِ، وَسِرُّهُ كَعَلانِيَتِهِ، وَأَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَىَّ ذٰلِكَ، وَهُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ وَمِيثاقِي لَدَيْكَ؛

خدا و فرشتگان و تو را ای مولایم به این حقایق که ظاهرش مانند باطن آن و نهانش چون آشکار آن است، گواه می گیرم و تو بر آن گواهی، و آن عهد و پیمان من با تو و نزد توست.

علت پیمان با امام

درادامه زائر، علت این پیمان را نیز بیان می کند که:

إِذْ أَنْتَ نِظامُ الدِّينِ، وَيَعْسُوبُ الْمُتَّقِينَ، وَعِزُّ الْمُوَحِّدِينَ، وَبِذٰلِكَ أَمَرَنِي رَبُّ الْعالَمِينَ

یعنی امام «نظام دین»، «پناهگاه اهل تقوا» و «عزتِ یکتاپرستان» است و به سبب برخورداری از چنین جایگاهی دستور خدای متعال مبنی بر برقراری پیمان با او صادر گردیده است.

درنهایت هم تأکید و تصریح می کند که اگرچه از انعقاد این پیمان سال ها بگذرد امّا من نسبت به آن پایبند بوده و درهنگامه ی جهاد در رکاب شما، هستی خویش را تقدیم خواهم کرد.

فَلَوْ تَطاوَلَتِ الدُّهُورُ، وَتَمادَتِ الْأَعْمارُ، لَمْ أَزْدَدْ فِيكَ إِلَّا يَقِيناً، وَلَكَ إِلَّا حُبّاً، وَعَلَيْكَ إِلَّا مُتَّكَلاً وَمُعْتَمَداً، وَلِظُهُورِكَ إِلَّا مُتَوَقِّعاً وَمُنْتَظِراً، وَلِجِهادِي بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقِّباً؛ فَأَبْذُلُ نَفْسِي وَمالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَجَمِيعَ مَا خَوَّلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَالنَّصَرُّفَ بَيْنَ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ؛

پس اگر روزگارها طولانی گردد و عمرها امتداد یابد، مرا نیفزاید درباره تو جز یقین و نسبت به تو جز محبت و برتو جز توکل و اعتماد و برای ظهورت جز توقع و انتظار و برای جهادم در پیشگاهت چشم به راهی؛ پس جان و مال و فرزند و خاندانم و همه آنچه را خدا به من داده، پیش رویت و در مقابل امر و نهیت نثار می کنم.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

۰۲۱۸۶۰۳۵۸۶۳ ۰۲۱۸۶۰۳۴۲۹۷
۰۲۱۸۶۰۳۵۸۶۱ ۳۰۰۰۱۳۶۶

تهران، خیابان ولیعصر، بلوار طالقانی
میدان فلسطین، ساختمان ستاد اقامه نماز

mahdaviat.ir
info@mahdaviat.ir

با ما باشید....

@chashmbe_rah

آثار پایداری بر عهد با امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

برپایه روایات، اساسی ترین سبب سربلندی درسختی های عصر غیبت، پایبندی به عهد و میثاق با حجت خدای متعال است. امام صادق علیه السلام دربیانی به مفضل بن عمر می فرماید:

برشما باد دوری از خودنمایی وشهرت طلبی، آگاه باشید! به خدا سوگند به طورقطع امام شماسال هایی غایب خواهدشد و دراین زمان شما درسختی قرار می گیرید، تا جایی که عده ای می گویند او مُرده یاکشته شده یا درسرزمین های دوردست قرارگرفته، و دیده ی مومنان بر او گریان خواهدبود، و شما دراین زمان همانند کشتیِ گرفتار به طوفان، به اضطراب میافتید، پس درچنین موقعیتی نجات نمی یابد مگرکسی که خداوند پیمان او رامحکم گرفته باشد و در دلش ایمان را ثبت کرده و او را با فرشته ی مخصوصی از جانب خود تأیید نماید....

عواقب عدم پایداری بر عهد با امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام زمان علیه السلام درتوقیع خویش به شیخ مفید می فرماید:

اگرپیروان ما دل هایشان دروفاداری نسبت به عهدی که برایشان است، جمع بود؛ هرگز مبارکی دیدار ما ازایشان به تأخیر نمی افتاد و به تحقیق که خوشبختی دیدار ما، توأم با معرفت و صداقت نسبت به ما برایشان شتاب می یافت.

تصریح به مانع بودنِ «عهد شکنی» برای «همراهی با حجت خدا»، ضرورت برطرف نمودن آن را گوشزد می کند. این ضرورت هنگامی روشن ترمی شودکه پیروان اهل بیت علیهم السلام به گرفتاری ها و ناملایماتی که به سببِ دوری ازامام زمان علیه السلام، دامن گیرجامعه شیعه شده وقوف بیشتری پیدا کنند؛ یکی ازاین گرفتاری ها رامی توان خواری اجتماعی، سیاسی درمواجهه با فاسقان ارزیابی نمود.

... ماگرچه به حسب صلاح دید الهی نسبت به خود و شیعیان مومن مان، تا زمانی که دولت دنیا به دستِ فاسقان است، ازمحل زندگی ستمگران دور هستیم؛ ولی آگاهی کامل ازاحوال ایشان داشته و هیچ خبری ازآن ها بر ما پوشیده نیست. و ما ازذلتی که دامن گیر آن ها شده آگاهیم و این به سبب آن است که ایشان، کارهای ناپسندی را مرتکب شده اند که پیشینیانشان ازآن کارها دوری می کردند. و نیز پیروان ما، پیمانی که از آن ها گرفته شده بود را چنان پشت سرنهاده اند که گویی ازآن هیچ خبری ندارند....

بنابراین اگرجامعه ی شیعی درپیِ رسیدن به سربلندیِ حقیقی درپرتو بهره مندی ازوجود حجت الهی است، راهی جز وفاداری نسبت به پیمانی که با آن حضرت بسته ندارد؛ پیمانی که در چهارچوبِ پایبندی به واجبات و دوری ازحرام ها تجلی می یابد.

نهم ربیع الاول
سالروز آغاز امامت
امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف



روز عهد و بیعت

بررسی عملکرد حدود ۲۵۰ ساله شیعیان[1] و توجه به رفتارهای ایشان در طول این مدت، نمایانگر این واقعیت است که پس از به شهادت رسیدنِ هرکدام از معصومین علیهم‌السلام، پیروانِ هدایت یافته‌ی ایشان دو کار را وظیفه خود دانسته و به انجامش اهتمام می‌ورزیدند؛ یکی تسلیت و تعزیت نسبت به مصیبتِ امامِ پیشین و دیگری تجدید پیمان و عهد با امامِ حاضر.

اهمیت پایداری بر عهد و پیمان

با مرور منابع اسلامی، روشن می‌شود مهم‌ترین وظیفه‌ی مسلمانان و به طور خاص شیعیان اهل‌بیت علیهم‌السلام، پایداری بر عهد و پیمانی است که میان ایشان با اولیاء دین بسته شده و مرکز و نقطه‌ی محوری این عهد هم امام معصوم است.

حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در ابتدای توقیع خویش به مرحوم شیخ مفید رحمه‌الله می‌فرماید:

مِنْ مُسْتَوْدَعِ الْعَهْدِ الْمَأْخُوذِ عَلَى الْعِبَادِ

از جایگاه پیمانی که [از جانب خداوند] برعهده بندگان نهاده شده.

آن حضرت برای معرفی خود از میان تمامی عناوینِ الهی، این عنوان را برگزیده تا این مهم را خاطرنشان نماید که بی‌توجهی به محتوای عهدها بازگشتش بی‌توجهی به محور اصلی آنها یعنی «امامت» خواهد بود.

افزون بر این، پایداری بر این عهد تا آن میزان از اهمیت برخوردار است که امام صادق علیه‌السلام ضمن بیانِ «دعای عهد» -که عهدنامه‌ی شیعیان با امام است- پیروان خود را ترغیب می‌کند که با خواندن آن در ابتدای هر روز بر پیمانِ خود با حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تأکید نموده و مراقبت نمایند تا نسبت به آن کوتاهی ننمایند و در صورت پایبندی به آن، یکی از پاداش‌های ایشان، لیاقت‌مندی برای رجعت خواهد بود.

پیشینه

قرآن کریم در آیات متعدد بیان می‌کند که خدای متعال از انسان‌ها پیمان محکمی مبنی بر پذیرش ربوبیت الهی و پایداری بر ولایت گرفته است.

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا﴾[2]

و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم، گفتند: چرا، گواهی دادیم.

۱. از زمان رحلت پیامبر گرامی خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله تا شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام

۲. سوره اعراف، آیه ۱۷۲

روز عهد و بیعت

در این آیه سخن از پیمانی است که خدای متعال در «عالَم ذر» از انسان‌ها گرفته و موضوع آن نیز «ربوبیت الهی» است.

واژه «رَبّ» متشکل از دو عنصر معنایی «مالکیت» و «مدیریت» است؛ یعنی کسی که بر عهد خویش با خدای متعال پایدار باشد، هم مالکیت و هم مدیریت الهی را پذیرفته است. لغت شناسان رابطه‌ی میان «مالکیت و مدیریت» نهفته در «ربوبیت» را با «ولایت» مترادف دانسته‌اند؛ از این رو «ولایت» الهی ترجمان «ربوبیت» حضرت حق خواهد بود.

با توجه به این نکته و با دقت‌نظر در گرفتنِ آیه ۵۵ سوره مبارک مائده می‌توان گفت مجرای «مدیریت الهی» در عالم هستی در مرحله نخست پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و پس از ایشان، امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است.

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾

ولیّ شما تنها خدا و پیامبر او و کسانی که ایمان آورده‌اند همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

ولایت امام معصوم، در طولِ ولایتِ رسولِ خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، مسیر اجرای ولایت خدای حکیم بر هستی است، و این ولایت همان ترجمانِ مدیریتِ پروردگار متعال بوده که در آیه ۱۷۲ سوره اعراف از آن با عنوان «ربوبیت» یاد شده است.

در نتیجه، پذیرش سرپرستیِ چنین امامی ملازم است با پذیرش ربوبیت الهی که مرکز اصلی پیمان الهی از تمامِ فرزندانِ آدم بوده است. از این رو امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در ابتدای توقیع، خود را با عنوان «مستودع عهد الهی» معرفی می‌کند.

همچنین در ابتدای زیارت آل یاسین، امام زمان علیه‌السلام با عنوان میثاقی معرفی می‌شود که خدای متعال آن را بین خود و بندگان برقرار نموده، و آن میثاق را محکم کرده.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَه»

سلام بر تو ای پیمان محکمی که خدا آن را گرفته و مورد تأکید قرار داده.

و همچنین در آیات دیگر قرآن، از آن عهد الهی با عنوانِ عدم پرستش شیطان یاد شده:

﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾[1]

ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید زیرا وی دشمن آشکار شماست.

مجموع این آیات، رهنمون کننده این مطلب است که پایداری بر عهد با امام زمان علیه‌السلام - که ریشه در پیمان خدای متعال با آدمیان در عالم ذر دارد - به منزله‌ی پذیرش بندگی الهی و سرنهادن به مدیریت خدای متعال بوده و سر باز زدن از آن، خروج از ولایت الهی و پرسش شیطان خواهد بود.

۱. سوره یس، آیه ۶۰

روز عهد و بیعت

محتوای عهد

برای تبیین محتوای این عهد و پیمان، ادعیه و زیارت‌های گوناگونی را می‌توان مورد بررسی قرار داد که فضای کلیِ حاکم بر آنها پایداری در مسیر اطاعت و فرمانبرداری است. به عنوان مثال دریکی از زیارت‌هایی که برای امام زمان علیه‌السلام نقل شده و کمتر مورد توجه قرار گرفته چنین آمده:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللهِ وَخَلِيفَةَ آبائِهِ الْمَهْدِيِّينَ....

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ، وَأَنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْغالِبُونَ، وَأَوْلِياءَكَ هُمُ الْفائِزُونَ، وَأَعْدَاءَكَ هُمُ الْخاسِرُونَ، وَأَنَّكَ خازِنُ كُلِّ عِلْمٍ، وَفاتِقُ كُلِّ رَتْقٍ، وَمُحَقِّقُ كُلِّ حَقٍّ، وَمُبْطِلُ كُلِّ باطِلٍ، رَضِيتُكَ يَا مَوْلايَ إِماماً وَهادِياً وَوَلِيّاً وَمُرْشِداً أَلَا أَبْتَغِي بِكَ بَدَلاً، وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ وَلِيّاً؛

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ، وَأَنَّ وَعْدَ اللهِ فِيكَ حَقٌّ، لَاأَرْتابُ لِطُولِ الْغَيْبَةِ وَبُعْدِ الْأَمَدِ، وَلَا أَتَخَيَّرُ مَعَ مَنْ جَهِلَكَ وَجَهِلَ بِكَ، مُنْتَظِرٌ مُتَوَقِّعٌ لِأَيَّامِكَ، وَأَنْتَ الشَّافِعُ الَّذِي لَاتُنازَعُ، وَالْوَلِيُّ الَّذِي لَاتُدافَعُ، ذَخَرَكَ اللهُ لِنُصْرَةِ الدِّينِ، وَإِعْزَازِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالِانْتِقامِ مِنَ الْجاحِدِينَ الْمارِقِينَ؛

أَشْهَدُ أَنَّ بِوِلايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمالُ، وَتُزَكَّى الْأَفْعالُ، وَتُضاعَفُ الْحَسَناتُ، وَتُمْحَى السَّيِّئاتُ، فَمَنْ جاءَ بِوِلايَتِكَ، وَاعْتَرَفَ بِإِمامَتِكَ، قُبِلَتْ أَعْمالُهُ، وَصُدِّقَتْ أَقْوالُهُ، وَتَضاعَفَتْ حَسَناتُهُ، وَمُحِيَتْ سَيِّئاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَنْ وِلايَتِكَ، وَجَهِلَ مَعْرِفَتَكَ، وَاسْتَبْدَلَ بِكَ غَيْرَكَ كَبَّهُ اللهُ عَلَى مِنْخَرِهِ فِي النَّارِ وَلَمْ يَقْبَلِ اللهُ لَهُ عَمَلاً، وَلَمْ يُقِمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَزْناً؛[1]

این فراز از زیارت امام دوازدهم به چهار بخش تقسیم می‌شود، در سه بخش نخست به سه موضوع، شهادت داده می‌شود. آنچه حائز اهمیت است این است که بعد از هرکدام از سه شهادت، مطالبی به زبان جاری می‌شود که در واقع می‌توان هرکدام از آن‌ها را به منزله‌ی پیمانی قلمداد نمود. زائر وقتی به بخش چهارم و انتهایی این فرازمی‌رسد در آن، خداوند و امام زمان علیه‌السلام را گواه می‌گیرد که آنچه پیش از این بر زبان جاری نموده عهد و میثاق او با امامش است.

۱. ابن المشهدی، المزار الکبیر، زیارة أخری له علیه‌السلام. ص۵۸۶؛ مفاتیح الجنان، زیارت دوم امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف (زیارت مخصوص سرداب مطهر).

روز عهد و بیعت

گواهی اول ...

این شهادت با این عبارت آغاز می‌شود:

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ ، ...

در پایان این گواهی، خطاب به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف چنین اعلام می‌شود:

رَضِيتُكَ يَا مَوْلايَ إِماماً وَهَادِياً، وَ وَلِيّاً وَ مُرْشِداً، لَا أَبْتَغِي بِكَ بَدَلاً، وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ وَلِيّاً؛

من به تو راضی شدم ای مولایم برای پیشوا بودن و راهنما و سرپرست و رهبری و دیگری را به جای تو نجویم و به غیر تو سرپرستی نگیرم.

اعلام رضایت به امامت، هدایت‌گری، ولایت و ارشادِ حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و عوض ننمودنِ آن حضرت با شخص یا چیز دیگری در این عرصه‌ها، می‌تواند از مهم‌ترین مفاد عهدنامه‌ای باشد که میان یک شیعه با امامش برقرار می‌شود. چراکه نپذیرفتن یا بی‌توجهی به هرکدام از این امور نتیجه‌ای ناگوار به دنبال خواهد داشت.

گواهی دوم ...

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ ..... لَا أَتَخَيَّرُ مَعَ مَنْ جَهِلَكَ وَ جَهِلَ بِكَ، مُنْتَظِرٌ مُتَوَقِّعٌ لِأَيَّامِكَ؛

گواهی می‌دهم که تویی آن حق ثابت که عیبی در آن نیست.... شک نمی‌کنم و با آنان که تو را نشناختند و به تو جهل ورزیدند، سرگردان نشوم، منتظر و متوقع روزهای شما هستم.

در این بخش نیز نتیجه جهل به حجت خدا، تحیر و سرگردانی معرفی می‌شود و در مقابل آن، انتظار قرار می‌گیرد؛ گویا لازمه‌ی انتظارِ حقیقی که دور از هرگونه آفت است، معرفت به ولیّ خدا و بر حذر بودن از جهل نسبت به آن حضرت است.

گواهی سوم ...

شهادت سوم در زیارت امام زمان علیه‌السلام چنین است:

أَشْهَدُ أَنَّ بِوِلايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمالُ، وَتُزَكَّى الْأَفْعالُ، وَتُضاعَفُ الْحَسَناتُ، وَتُمْحَى السَّيِّئاتُ، فَمَنْ جاءَ بِوِلايَتِكَ، وَاعْتَرَفَ بِإِمامَتِكَ، قُبِلَتْ أَعْمالُهُ، وَصُدِّقَتْ أَقْوالُهُ، وَتَضاعَفَتْ حَسَناتُهُ، وَمُحِيَتْ سَيِّئاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَنْ وِلايَتِكَ، وَجَهِلَ مَعْرِفَتَكَ، وَاسْتَبْدَلَ بِكَ غَيْرَكَ كَبَّهُ اللهُ عَلَى مِنْخَرِهِ فِي النَّارِ وَلَمْ يَقْبَلِ اللهُ لَهُ عَمَلاً، وَلَمْ يُقِمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَزْناً.